



فعالان حقوق بشر و رسانه‌ای افغانستان در سال ۲۰۲۰ میلادی روزگار سختی را پشت سر گذاشته‌اند. در این سال چندین فعال حقوق زن و روزنامه‌نگار به گونه‌ای هدفمند به قتل رسیده و عده‌ای هم به دلیل تهدیدهای بلند امنیتی مجبور به ترک وظیفه شدند و یا در محدودیت قرار گرفتند. این موضوع شوک بزرگی بر خانواده‌ی آزادی بیان و مدافعان حقوق بشر وارد نمود.

در حالی که گفت‌وگوهای صلح در قطر میان دولت افغانستان و گروه طالبان امیدواری‌ها را بر کاهش خشونت بیش‌تر کرده بود، اما خلاف تصور مردم نه تنها این اتفاق رخ نداد بلکه در کنار افزایش خشونت‌ها نوعیت آن نیز بدتر شد که از آن جمله می‌توان به قتل‌های سازمان‌یافته‌ی روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن اشاره نمود.

آزادی بیان که به عنوان یکی از دست‌آوردهای بزرگ حکومت پس از طالبان به شمار می‌رود در بدترین وضعیت قرار گرفته و حذف فزونی روزنامه‌نگاران آغاز گردیده و چندین روزنامه‌نگار در حمله‌های هدفمند گروه‌های تروریستی به قتل رسیدند. جوانانی که هر کدام بلندگویی برای

نهادهای‌ساز دموکراسی و حقوق زنان در کشور به شمار می‌رفتند. در نیمه دوم سال ۲۰۲۰ میلادی صداهای بلند روزنامه‌نگاران یکی پی دیگری خاموش شدند و حامیان حقوق زن و جامعه مدنی در گوشه گوشه‌های از کشور هدف حملات تروریستی قرار گرفتند. از ترور یما سیلوش گرفته تا یوسف رشید، ملاله میوند و فرشته کوهستانی، ترورهای هدفمند فعالان حقوق بشر و کارمندان رسانه‌ها از جایی پیچیده‌تر می‌شود که مسوولیت آن‌ها را هیچ گروهی به عهده نمی‌گیرد. در برخی موارد حتا آن را محکوم می‌کند. مانند کشته شدن رحمت‌الله نیکزاد رییس اتحادیه خبرنگاران خبرنگاران غزنی.

سریال ترور روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن در بیست سال گذشته در کشور بی‌سابقه بوده است آن هم درست زمانی که تصور گفت‌وگوهای صلح میان حکومت افغانستان و گروه طالبان در قطر داغتر شده و امیدواری‌ها برای رسیدن به صلح افزایش یافته است. نگرانی اصلی ادامه قتل‌های زنجیرهای روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن در کشور این است که به نظر می‌رسد گروه‌های تروریستی

و مهندسان ترورهای تلاش دارند با خفه کردن گلوئی آزادی بیان و تهدید رسانه‌ها و فعالان حقوق زن سیاست‌های خویش را بدون موانع عملی سازد. در صورتی که وضعیت همین‌گونه ادامه یابد رسانه‌های کشور که طی بیست سال گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند محدود شده و ممکن است عده‌ای از روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن دست از فعالیت و داخواهی بردارند.

از سوی دیگر ادامه قتل روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن سبب خواهد شد که روزنامه‌نگاران خارجی فعالیت‌های خویش در افغانستان را محدود سازند و این کشور از محراق توجه جامعه جهانی نیز خارج شود. دیده می‌شود که حکومت افغانستان در سال ۲۰۲۰ میلادی همانند گذشته در تامین امنیت جان روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر در کشور ناکام بوده است و باید پس از این در زمینه حفظ جان کارمندان رسانه‌ها و فعالان حقوق زن اقدامات جدی را روی دست بگیرد.

در حالی که گفت‌وگوهای صلح در قطر میان دولت افغانستان و گروه طالبان به شمار می‌رود در بدترین وضعیت قرار گرفته و حذف فزونی روزنامه‌نگاران در حمله‌های هدفمند گروه‌های تروریستی به قتل رسیدند. جوانانی که هر کدام بلندگویی برای نهادهای‌ساز دموکراسی و حقوق زنان در کشور به شمار می‌رفتند. در نیمه دوم سال ۲۰۲۰ میلادی صداهای بلند روزنامه‌نگاران یکی پی دیگری خاموش شدند و حامیان حقوق زن و جامعه مدنی در گوشه گوشه‌های از کشور هدف حملات تروریستی قرار گرفتند. از ترور یما سیلوش گرفته تا یوسف رشید، ملاله میوند و فرشته کوهستانی، ترورهای هدفمند فعالان حقوق بشر و کارمندان رسانه‌ها از جایی پیچیده‌تر می‌شود که مسوولیت آن‌ها را هیچ گروهی به عهده نمی‌گیرد. در برخی موارد حتا آن را محکوم می‌کند. مانند کشته شدن رحمت‌الله نیکزاد رییس اتحادیه خبرنگاران خبرنگاران غزنی.

سریال ترور روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن در بیست سال گذشته در کشور بی‌سابقه بوده است آن هم درست زمانی که تصور گفت‌وگوهای صلح میان حکومت افغانستان و گروه طالبان در قطر داغتر شده و امیدواری‌ها برای رسیدن به صلح افزایش یافته است. نگرانی اصلی ادامه قتل‌های زنجیرهای روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن در کشور این است که به نظر می‌رسد گروه‌های تروریستی و مهندسان ترورهای تلاش دارند با خفه کردن گلوئی آزادی بیان و تهدید رسانه‌ها و فعالان حقوق زن سیاست‌های خویش را بدون موانع عملی سازد. در صورتی که وضعیت همین‌گونه ادامه یابد رسانه‌های کشور که طی بیست سال گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند محدود شده و ممکن است عده‌ای از روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن دست از فعالیت و داخواهی بردارند.

از سوی دیگر ادامه قتل روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن سبب خواهد شد که روزنامه‌نگاران خارجی فعالیت‌های خویش در افغانستان را محدود سازند و این کشور از محراق توجه جامعه جهانی نیز خارج شود. دیده می‌شود که حکومت افغانستان در سال ۲۰۲۰ میلادی همانند گذشته در تامین امنیت جان روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر در کشور ناکام بوده است و باید پس از این در زمینه حفظ جان کارمندان رسانه‌ها و فعالان حقوق زن اقدامات جدی را روی دست بگیرد.

در حالی که گفت‌وگوهای صلح در قطر میان دولت افغانستان و گروه طالبان به شمار می‌رود در بدترین وضعیت قرار گرفته و حذف فزونی روزنامه‌نگاران در حمله‌های هدفمند گروه‌های تروریستی به قتل رسیدند. جوانانی که هر کدام بلندگویی برای نهادهای‌ساز دموکراسی و حقوق زنان در کشور به شمار می‌رفتند. در نیمه دوم سال ۲۰۲۰ میلادی صداهای بلند روزنامه‌نگاران یکی پی دیگری خاموش شدند و حامیان حقوق زن و جامعه مدنی در گوشه گوشه‌های از کشور هدف حملات تروریستی قرار گرفتند. از ترور یما سیلوش گرفته تا یوسف رشید، ملاله میوند و فرشته کوهستانی، ترورهای هدفمند فعالان حقوق بشر و کارمندان رسانه‌ها از جایی پیچیده‌تر می‌شود که مسوولیت آن‌ها را هیچ گروهی به عهده نمی‌گیرد. در برخی موارد حتا آن را محکوم می‌کند. مانند کشته شدن رحمت‌الله نیکزاد رییس اتحادیه خبرنگاران خبرنگاران غزنی.

سریال ترور روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن در بیست سال گذشته در کشور بی‌سابقه بوده است آن هم درست زمانی که تصور گفت‌وگوهای صلح میان حکومت افغانستان و گروه طالبان در قطر داغتر شده و امیدواری‌ها برای رسیدن به صلح افزایش یافته است. نگرانی اصلی ادامه قتل‌های زنجیرهای روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن در کشور این است که به نظر می‌رسد گروه‌های تروریستی و مهندسان ترورهای تلاش دارند با خفه کردن گلوئی آزادی بیان و تهدید رسانه‌ها و فعالان حقوق زن سیاست‌های خویش را بدون موانع عملی سازد. در صورتی که وضعیت همین‌گونه ادامه یابد رسانه‌های کشور که طی بیست سال گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند محدود شده و ممکن است عده‌ای از روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن دست از فعالیت و داخواهی بردارند.

از سوی دیگر ادامه قتل روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زن سبب خواهد شد که روزنامه‌نگاران خارجی فعالیت‌های خویش در افغانستان را محدود سازند و این کشور از محراق توجه جامعه جهانی نیز خارج شود. دیده می‌شود که حکومت افغانستان در سال ۲۰۲۰ میلادی همانند گذشته در تامین امنیت جان روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر در کشور ناکام بوده است و باید پس از این در زمینه حفظ جان کارمندان رسانه‌ها و فعالان حقوق زن اقدامات جدی را روی دست بگیرد.

در حالی که گفت‌وگوهای صلح در قطر میان دولت افغانستان و گروه طالبان به شمار می‌رود در بدترین وضعیت قرار گرفته و حذف فزونی روزنامه‌نگاران در حمله‌های هدفمند گروه‌های تروریستی به قتل رسیدند. جوانانی که هر کدام بلندگویی برای نهادهای‌ساز دموکراسی و حقوق زنان در کشور به شمار می‌رفتند. در نیمه دوم سال ۲۰۲۰ میلادی صداهای بلند روزنامه‌نگاران یکی پی دیگری خاموش شدند و حامیان حقوق زن و جامعه مدنی در گوشه گوشه‌های از کشور هدف حملات تروریستی قرار گرفتند. از ترور یما سیلوش گرفته تا یوسف رشید، ملاله میوند و فرشته کوهستانی، ترورهای هدفمند فعالان حقوق بشر و کارمندان رسانه‌ها از جایی پیچیده‌تر می‌شود که مسوولیت آن‌ها را هیچ گروهی به عهده نمی‌گیرد. در برخی موارد حتا آن را محکوم می‌کند. مانند کشته شدن رحمت‌الله نیکزاد رییس اتحادیه خبرنگاران خبرنگاران غزنی.

سرزمین خشم و خشونت

برسد.

تا زمانی‌که به افغانستان برگشته بودیم فقط می‌دانستم واژه‌ای به نام خشونت در سراسر جهان وجود دارد که خیلی‌ها زیر بار این واژه جان‌های شیرین شان را از دست می‌دهند. ولی با اولین قدمی که به افغانستان و اولین روستایی دور از شهر گذاشتم معنی جان سوز آن را مرحله به مرحله و طلوع به طلوع هر سپیده دم در سلول‌های تن و روح و روانم احساس

هر روزی که به پایان می‌رسید و روز دگر آغاز می‌شد خلقت شوم من هم نیز آغاز می‌شد که شکنجه‌گر روح و روانم به حساب می‌رفت. نمی‌دانستم این سپیده دم پایان کدام مرگ است که این‌گونه زیر بار خشونت‌ها له شده است. ما جزئی نخستین خانواده‌های بودیم که از مهاجرت چندین ساله به افغانستان برگشته بودیم. اصلن بیایید به این مسأله نگاه مختصری بیندازیم تا مشخص‌تر و واضح‌بینانه‌تر به نظر



دیدگاه

هدا خاموش

بزن سنگت به فرق من که دینت درامان باشد بگش آن طور که خواهی ام، خدایت شادمان باشد

برای مردن جهلت، من هم صد بار می‌میرم نغم بادا به آن آئین، که زن‌ها بی‌زبان باشد مسعود حداد



سال شمار زنان افغانستان - ۲۰۲۰

سال ۲۰۲۰ میلادی در افغانستان همزمان با گسترش دو تهدید بزرگ آغاز شد: شیوع ویروس کرونا و صلح دولت با گروه طالبان. سال ۲۰۲۰ در بعضی موارد تغییرهای مثبتی در زندگی زنان رونما گردید و زنان فعال در عرصه‌های مختلف برای افغانستان افتخار آفرینند، اما سال پر چالشی هم بوده است. از لحاظ سیاسی زنان توانستند مسایل مربوط به خودشان را در محور سیاست‌گذاری‌ها بگنجانند و یا حداقل برای موثریت حضور و مشارکت شان در سیاست و اجتماع تا پای جان تقلا کنند.

صفحه ۲

انجمن روزنامه‌های افغانستان آغاز به فعالیت کرد

هشت صبح، ذکی دریابی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات روز، مختار پدram، مدیرمسئول روزنام صبح کابل، فاطمه روشنیان، مدیرمسئول هفته‌نامه نیمرخ، رضا هویدا، مدیرمسئول روزنامه‌های اوت لوک و افغانستان ما، اصغر اشراق، مدیرمسئول روزنامه راه

نخستین انجمن صنفی رسانه‌های چاپی افغانستان که به نام «انجمن روزنامه‌های افغانستان» ایجاد شده در کابل گشایش یافت. روز چهارشنبه، ۱۰ جدی ۱۳۹۹ خورشیدی مراسم گشایش این انجمن در کابل برگزار شد. انجمن روزنامه‌های افغانستان از سوی نه روزنامه



مدینت، آقای اکبر مدیرمسئول روزنامه توسعه و اقتصاد، صدیق‌الله توحیدی رییس اجرایی کمیته مصونیت خبرنگاران افغان، نظری پریانی مدیرمسئول روزنامه ماندگار و میرحیدر مطهر مدیرمسئول روزنامه آرمان ملی اعضای هیأت موسسان انجمن روزنامه‌های افغانستان استند. میرحیدر مطهر، مدیرمسئول روزنامه آرمان ملی و رییس انجمن روزنامه‌های افغانستان در

و یک هفته‌نامه فعال در کابل ایجاد شده است. روزنامه هشت صبح، روزنامه اطلاعات روز، روزنامه صبح کابل، هفته‌نامه نیمرخ، روزنامه افغانستان ما، روزنامه اوت لوک افغانستان، روزنامه راه مدینت، روزنامه آرمان ملی، روزنامه ماندگار و روزنامه اقتصاد و توسعه از بنیان‌گذاران این نهاد رسانه‌ای استند. مجیب مهرداد، مدیرمسئول روزنامه

فمینیسم؛ مبارزه‌ی حقوقی



تحلیل

مهدی آرش

صورت حقوقی و با حکم رسمی تأیید شد، جریان فمینیسم به موج دوم خودش رسیده بود که پا را از ساحت حقوقی آن فراتر می‌گذاشت و وارد نظام‌های ریشه‌ی خانواده و نهادهای آموزش و پرورش می‌شد. به عبارت دیگر، فمینیسم یک مرحله را که به نام مبارزه‌ی حقوقی از آن یاد می‌شود، پشت سر گذاشته و وارد تحلییل جامعه‌شناختی و روانشناسی از زنان در جامعه شد که پیش‌تر جریان‌شناسان شروع این موج فمینیسم را سال ۱۹۴۹ میلادی تاریخ می‌زنند که در واقع این تاریخ مصادف است با انتشار جنجالی‌ترین کتاب سیمون دوبوار؛ جنس دوم.

در جوامع متمدن که جریان فمینیسم از شروع تا به این‌جا تعقیب شده است و آن‌ها به لحاظ حقوقی این جریان را پشت سر گذاشته اند، و در ساختارهای جامعه هم به برابری حق زن و مرد دست یافته‌اند، نیازی حس نمی‌شود تا دوباره برگردند و به هسته‌ی اصلی فمینیسم چنگ بیندازند.

اما پرسش این است که آیا در جوامع غیر متمدن و لزومن شرقی هم لزومی بر مبارزه‌ی حقوقی برای زنان دیده نمی‌شود؟ یعنی ما در افغانستان (به حکم رسمی) به حق برابر مردان و زنان دست یافته‌ایم؟ قطعن پاسخ منفی است و با این پاسخ، از پیش گرفتن رویکرد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی از فمینیسم به مثابه زنجیره‌ی جریان فمینیسم منفی است. پس بررسی قراردادهای اجتماعی (با تعریفی که روسو از قرارداد اجتماعی دارد) یا پرداختن و بازنگری دوباره ساختارهای

صفحه ۲

تلاش در راستای داشتن حق برابر (با حکم رسمی) در ساحت حقوق برای زنان هسته‌ی اصلی فمینیسم در موج اول این جریان را تشکیل می‌دهد. به لحاظ حقوقی وقتی کسی از حق خودش محروم می‌شود و ساختار جامعه این حق را (به حکم رسمی) به او واگذار نمی‌کند، مطالبه حق در چنین شرایطی به نوعی مبارزه با ساختارهای اجتماعی-حقوقی است. قرن نوزدهم که فمینیسم مفهوم‌سازی شد، در ساختارهای اجتماعی-سیاسی با چالش‌هایی از قبیل عدم داشتن حق رأی زنان با حکم رسمی آن روبرو بود. برابری حقوقی برای زنان و داشتن حق رأی زنان در ابتدا زیرساخت‌های فمینیسم را تشکیل می‌داد. بدین معنا که به دست آوردن حق رأی برای زنان فقط رأی دادن نبود بلکه ایجاد طرح جدید در ساختار جامعه پنداشته می‌شود و هر نقد فمینیستی چه دیروز، امروز یا فردا با این رویکرد حقوقی پا به میدان می‌گذارد. طوریکه دونالد هال نیز تصریح می‌کند: نقد فمینیستی شکلی از تحلییل اجتماعی و درانداختن طرحی برای تحول در ساختارهای جامعه است. به دست آوردن حق رأی برای زنان که به



گزارش

حسین احمدی

مراسم گشایش این انجمن گفت: هدف از ایجاد این انجمن حل چالش‌های فرا راه روزنامه‌ها و بهبود فعالیت رسانه‌های چاپی است و تمامی رسانه‌های چاپی فعال در کشور می‌توانند عضو این انجمن شوند تا یک جتر حمایتی کلان برای رسانه‌ها و حمایت از آزادی بیان تشکیل شود.

او افزود: به‌رغم این‌که رسانه‌های چاپی از پرداخت مالیه معاف‌اند، اما وزارت مالیه برخلاف قانون از رسانه‌های چاپی هنوز مالیه می‌گیرد. اما روزنامه‌ها با وجود این چالش ترجیح داده‌اند که برای جلوگیری از سخته‌گی در کارشان، مالیه پرداخت کنند.

در مورد این قانون‌شکنی وزارت مالیه، رییس انجمن روزنامه‌های افغانستان گفت که هم‌زمان با آغاز کار انجمن، تلاش می‌شود تا این مشکل حل شود و رسانه‌های چاپی از پرداخت مالیه معاف شوند.

صدیق‌الله توحیدی، رییس اجرایی کمیته مصونیت خبرنگاران افغان و یکی از اعضای موسس این انجمن نیز آغاز فعالیت انجمن روزنامه‌های افغانستان را رویداد نیک و برای رسانه‌های افغانستان خواند و گفت: رسانه‌ها بدون انجمن صنفی نمی‌توانند از حقوق شان دفاع کنند؛ بنابراین تشکیل نهادهای حمایتی در کنار رسانه‌ها زمینه‌ی تحقق آزادی بیان را فراهم می‌سازد.

صفحه ۲



تلاش

حسین احمدی

سال شمار زنان افغانستان - 2020

سال ۲۰۲۰ میلادی در افغانستان همزمان با گسترش دو تهدید بزرگ آغاز شد: شیوع ویروس کرونا و صلح دولت با گروه طالبان.

شیوع ویروس کرونا از آن رو که اقتصاد جهان را به شکست مواجه می کرد و مشکل کمبود مواد غذایی را نیز شدت می بخشید برای یک کشور درگیر جنگ مثل افغانستان عین فلاکت و بحران بود.

صلح که در دیگر کشورها بهترین خبر برای یک ملت است، مردم افغانستان اما از صلح می هراسند. چون طرفی که قرار است در میز مذاکره صلح با دولت بنشیند یک گروه خطرناک است. گروه طالبان که در سال ۱۳۷۵ خورشیدی در اثر یک جنگ منطقه‌ای و استخباراتی توانست پرچم سفید شان را بر ارگ کابل به اهتزاز درآورد، روزگار بیش از بیست میلیون انسان افغانستانی را به سیاهی سوق داد. سال ۲۰۰۱ میلادی و حمله القاعده به برج‌های تجارتی امریکا شاید زمان و رویداد نیکی بود که زمینه سقوط این گروه فراهم شد. اما آغاز عملیات انتحاری و انفجار و کشتار مجدد از سوی این گروه در سال ۲۰۰۵ باعث شد که راه دیگری برای خاموشی تفنگ‌های جنگجویان این گروه تکاپو شود. از سال ۲۰۰۷ به بعد گفتمان صلح جدی شد و تا این‌جا که در سال ۲۰۲۰ مذاکرات مستقیم میان دولت و گروه طالبان برای رسیدن به توافق صلح آغاز شد. اما مردم از طرز تفکر طالبان می هراسند نه از توافق سیاسی صلح با این گروه! این که چرا؟ یکی از عمده‌ترین دلایل هراس مردم از طالبان برخورد این گروه با زنان است. گروه طالبان زنان را با قرائت شخصی خودشان از دین اسلام در خانه زندانی می کنند و اکثریت مطلق حقوق بشری زنان را نادیده می گیرند به شمول حق آموزش و حق دسترسی به خدمات صحتی و حق کار و حق انتخاب.

در نخستین هفته‌ی ماه جنوری ۲۰۲۰ نوای همسویی یک عالم دین با گروه طالبان از هرات بلند شد. ملا مجیب‌الرحمان انصاری، ملاامام مسجد گازرگاه هرات در اول ماه جنوری ۲۰۲۰ میلادی تابلوهایی را با محتوای زن‌ستیزانه در سطح شهر نصب کرد و خواهان وضع محدودیت بر پوشش زنان شد: «بدحجابی زن از بی‌غیرتی مرد است». این جنجال تا یک ماه دوام آورد و دولت در پی اعتراض‌های مردم و فعالان حقوق زن، تابلوهای این عالم دین را از سطح شهر جمع‌آوری کرد و دیگر اجازه نداد میان مردم رعب و وحشت ایجاد کند.

جهان درگیر کرونا بود و زنان در خط مقدم مبارزه با آن

اما این تمام رخ هرات نیست. هرات به غیر از ملا مجیب‌الرحمان انصاری، ریکا سادات را نیز در خود دارد. تا ویروس کرونا به هرات رسید، ریکا سادات و همکاران او در «گروه تولیدی لباس زنان آبنوس» در شهر هرات مقادیر کم‌کم ماسک‌هایی را به بازار عرضه کرد که هم از شیوع ویروس کرونا جلوگیری می کند و هم درآمد بالایی اقتصادی دارد. آبنوس با همکاری انستیتوت «این‌ریف» و حمایت مالی «الداس داینامیکس» از پارچه‌های ابریشمی تولید هرات، ماسک ساخت تا برای پارچه‌های ابریشمی هرات در هنگام بحران جهانی ناشی از شیوع ویروس کرونا در کشورهای خارجی به ویژه ایالات متحده امریکا بازاریابی کند.

نه تنها این، در یک اقدام بی‌پیشینه و همگام با بزرگترین لایحه‌های تحقیقاتی جهان، چند تن از دختران جوان که بین ۱۴ تا ۱۹ سال سن دارند در شهر هرات برای مبارزه با کرونا گام بزرگی برداشتند.

تیم دختران ریاتی یک هرات که توسط رویا محبوب تأسیس شده است، مدل ابتدایی یک دستگاه تنفس مصنوعی یا ونتلاتور را با استفاده از لوازم تخنیکی موثر و وسایل ابتدایی پلاستیکی ساختند. سپس به همکاری موسسه هلپ جرمنی، یونیسف و موسسه دی.سی.اف یک دستگاه بهتری تولید کردند که از سوی موسسات تحقیقاتی در ایالات متحده و وزارت صحت عامه اعتبار کیفیت گرفت. ارچند دولت افغانستانی توانست این محصول وطنی و حاصل فکر و کار دختران جوان هراتی تولید انبوه کند اما این دختران ضمن دستگاه ونتلاتور یا تنفس مصنوعی، دستگاه ضد عفونی کننده محیط، اشیا و یک بازی برای مبارزه با ویروس کرونا را نیز ساختند و به نمایش گذاشت.

زنان و صلح

در روزهایی که چرخ‌های بزرگ‌ترین کارخانه‌های اقتصادی از گردش می‌ماند و ویروس کرونا گلوبی بندرهای تجارتی را فشرده بود و نفس میلیون‌ها انسان را شیبیه ترانسپورت هوایی و زمینی بند آورده بود، مردم افغانستان هرشب پای تلویزیون‌ها می‌نشستند و روزانه ساعت‌ها صفحه‌های

شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های آنلاین را رصد می کردند که از دوحه چه خبر؟

تا اینکه در آخرین روزهای ماه فیبروری و اوایل ماه مارچ ۲۰۲۰ زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان با ملا برادر، معاون سیاسی گروه طالبان یک توافق‌نامه سیاسی مبنی بر صلح تاریخی میان امریکا و طالبان را امضا کردند.

اصیله وردک و انارکلی هنریار دو تن از بانوانی بودند که در گفت‌وگوهای صلح امریکا با طالبان در قطر شرکت کرده بودند ولی حضور و دادخواهی این دو نماینده زنان و مردم افغانستان و نظاره‌گری جامعه جهانی هیچ کمکی نکرد تا حفاظت از حقوق زنان و حقوق بشری افغانستانی‌ها در توافق‌نامه سیاسی دوطرفه گنجانیده شود. در اکتش به این رویداد، ضمن اعتراض‌های داخلی انجیلنا جولی، هنرمند سرشناس آمریکایی گفت: «آنچه به قیمت حقوق زنان در افغانستان انجام شود صلح نیست!» اما این توافق‌نامه سیاسی راه را برای آغاز گفت‌وگوهای مستقیم میان دولت افغانستان و گروه طالبان باز کرد.

به تاریخ ۲۲ سنبله ۱۳۹۹ گفت‌وگوهای صلح به صورت رسمی میان هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی دولت افغانستان و گروه طالبان در شهر دوحه - پایتخت قطر آغاز شد.

یکی از مزیت‌های روند صلح این بود که برای نخستین بار در روند صلح افغانستان چهار زن: حبیبه سرابی، فوزیه کوفی، شریفه زرمتمی و فاطمه گیلانی در ترکیب هیأت ۲۱ نفری دولت افغانستان

ولی روش حکومتداری و سنت سرپرستی حاکم در نظام کنونی باعث شد که رییس جمهور غنی این دو خانم را ضمن دیگر سرپرستان و نامزدوزیرانی که رأی اعتماد مجلس را نگرفتند، هم‌چنان به عنوان سرپرست وزارت‌خانه‌ها نگه دارد.

افتخار آفرینی زنان

در سال ۲۰۲۰ میلادی زنان در عرصه‌های مختلف افتخار آفرینند و تصویر دیگری از افغانستان به جهانیان نشان دادند. زنان ثابت کردند که افغانستان تنها سرزمین جنگ و تریاک نیست!

لاله عثمانی، فعال حقوق زن و بنیان‌گذار کمپاین #نام_کجاست؟ و سمیه فاروقی، کاپیتان تیم دختران ریاتی یک افغانستان در لیست ۱۰۰ زن الهام‌بخش سال ۲۰۲۰ بی‌بی‌سی قرار گرفتند. فوزیه کوفی، عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت افغانستان با گروه طالبان و نماینده پیشین مردم بدخشان در مجلس نمایندگان به‌خاطر فعالیت‌های حقوق بشری اش برنده جایزه «اتسوع و توسعه پایدار» خانه‌ی آسیا یا «CasaAsia» شد.

ظریفه غفاری، شهردار میدان‌شهر - مرکز ولایت میدان وردک به‌خاطر تلاش‌هایش برای تأمین صلح، برابری جنسیتی و برجسته ساختن نقش زنان در کشور جایزه زنان شجاع وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا را گرفت.

با آنکه افغانستان یکی از خطرناک‌ترین کشورها برای مادران و نوزادان است، تا جایی که از میان هر یکصد هزار زن در هنگام زایمان، ۱۶۰ تن شان می‌میرند. نه تنها این، بلکه گروه‌های

دانشگاه سیمپایسیس شد.

زنان و اقتصاد

سال ۲۰۲۰ در کل برای اقتصاد جهان یک تهدید و در بعضی موارد بحران جدی بود. برای افغانستان که کشور درگیر جنگ و با کسر بودجه‌ی میلیاردی دالری مواجه است، بدون شک سال خوبی نبود. صدها کارخانه تعطیل شد و هزاران نفر شغل شان را از دست دادند. ارچند آمار دقیق آن را وزارت کار و امور اجتماعی ارائه نکرد و با تماس‌های مکرر به مسؤولان و سخنگوی وزارت کار و امور اجتماعی توانستیم دریابیم که در سال ۲۰۲۰ میلادی به چه تعداد زنان کار آفرینی کردند و به چه تعداد کار شان را از دست دادند، اما اکبر رستمی، سخنگوی وزارت زراعت به هفته‌نامه نیم‌رخ گفت: در سال ۲۰۲۰ میلادی زنان در عرصه زراعت دست‌آوردهای بزرگی داشتند. به گفته‌ی او، زنان در راستای کاشت و ترویج زعفران، باغداری، ایجاد گلخانه‌ها، باغچه‌های خانگی، سبزخانه‌ها و فارم‌های مرغداری نقش بزرگی در افزایش محصولات زراعتی و تأمین غذا داشتند. تنها در عرصه مرغداری ۳۱ هزار زن در سال جاری میلادی وارد کار شده‌اند.

زنان در دنیای هنر

به تاریخ ۲۶ عقرب ۱۳۹۹ خورشیدی، ششمین دور جشنواره‌ی جهانی فلم زنان هرات در قصر دارالامان کابل افتتاح شد و بیست و نهم عقرب خاتمه یافت. رویا سادات، مدیر و موسس این جشنواره که با فلم «نامه‌ای به رییس جمهور» شهره شد، اکنون خانه‌ی فلم رویا را دارد که چنین جشنواره



سال شمار زنان افغانستان - ۲۰۲۰

سال ۲۰۲۰ میلادی در افغانستان همزمان با گسترش دو تهدید بزرگ آغاز شد: شیوع ویروس کرونا و صلح دولت با گروه طالبان. سال ۲۰۲۰ در بعضی موارد تغییر‌های مثبتی در زندگی زنان رونما گردید و زنان فعال در عرصه‌های مختلف برای افغانستان افتخار آفرینند، اما سال پر چالشی هم بوده است. از لحاظ سیاسی زنان توانستند مسایل مربوط به خودشان را در محور سیاست‌گذاری‌ها بگنجانند و با حداقل برای موثریت حضور و مشارکت شان در سیاست و اجتماع تا پای جان تقلا کنند.

بزرگ جهانی را در کابل برگزار می کنند.

تمامی ۳۰۰۰ فلمی که در این جشنواره ارسال شده بود و حدود هفتاد فلمی که در بخش نمایش و رقابت جشنواره راه یافته بودند موضوع‌هایی همچون حقوق زنان، خشونت علیه زنان، هویت و برابری جنسیتی و مبارزه‌ی زنان را بازتاب داده بودند که با توسط زنان و یا مرتبط به موضوع زنان ساخته شده بودند. این جشنواره فرصت نمایش درد و شکوه زنان جهان در پرده سینماهای افغانستان بود که در آن گوشواره‌ی زرین جشنواره به دکتر صحرا کریمی، فلم‌ساز و رییس افغان فلم رسید.

صحرا کریمی، یک هفته پس از این رویداد نخستین جشنواره‌ی ملی فلم افغانستان را با عنوان لاجورد افتتاح کرد.

او که فقط یک‌ونیم سال می‌شود به کرسی ریاست افغان فلم (اداره سینمای دولتی افغانستان) نشست است، اول قوس ۱۳۹۹ خورشیدی، نخستین دور جشنواره‌ی ملی فلم افغانستان (لاجورد) را با شعار «تولید دوباره‌ی سینمای افغانستان» در کابل افتتاح کرد و به گفته‌ی مریم جهان‌بین، مدیر این جشنواره تا ده روز سالون‌های سینمایی کابل روزهایی شبیه دوره‌ی پیش از جنگ داخلی را تجربه می‌کرد؛ زنان، جوانان و خانواده‌ها به سینماها می‌رفتند و فلم می‌دیدند.

زنان و ورزش

ورزش برای زنان یکی از بزرگ‌ترین دردسرهایی است که ممکن تجربه کنند. اما زنان در سال ۲۰۲۰ چندین مسابقه‌ی ورزشی را برگزار کردند که بسیار خبرساز شد.

سومین دور مسابقات بایسکل‌رانی کوهستان میان ۴۷ دختر از هفت ولایت: کابل، هرات، بلخ، فاریاب، غزنی، دایکندی و بامیان در شهر بامیان برگزار شد. سپس در پانزدهم ماه قوس ۱۳۹۹ خورشیدی، ده دختر جوان با وجود مخالفت‌های علمای دین در شهر نیلی، مرکز ولایت دایکندی مسابقه

ادامه از صفحه ۱

حقوقی جوامع غیر متمدن الزامی است.

در جغرافیای سنتی مثل افغانستان فکر اینکه زیرساخت‌های ساختار جامعه را به چالش بکشیم یا از نتیجه‌ی بازنگری آن بگوئیم، هراس‌انگیز می‌نماید. چرا؟ به قول رهنورد زریاب، این زندگی مستّ شمشیر به‌دست هنوز نفس می‌کشد و راه پرسش و آزادی را در گلو می‌بندد.

و دو دیگر اینکه «چرا» در ابتدای جوامع بشری که سعی در نهادینه ساختن گذار‌ه‌های حقوق برابر در ساختار جامعه داشتند هم پارها و بارها مطرح شده است. طوری که از قبل همین مبارزه‌های فکری-فرهنگی است که امروز می‌دانیم سکولاریزم چه است. یا لیبرالیسم چگونه به وجود آمد! طرح پرسش و ایجاد ذهنیت قابل انعطاف که پرسش‌ها را به چشم پاسخ ببینند، در واقع قدم اول را به جلو گذاشتن است. پاسخ در وهله‌ی اول آنقدر که پرسش حیاتی می‌نماید، حیاتی نیست بلکه آن نفس پرسش است که جریان‌سازی می‌نماید.

مردی زنش را به قتل می‌رساند چون دختر به دنیا آورده است. مردی دخترش را در خانه حبس می‌کند و سالیان دراز جلوی چشم مادرش بر او تجاوز می‌کند. مردی لبنان و بینی زنش را می‌برد. مردی اربابان و ملاها را برای سنگسار کردن زنش دور هم جمع می‌کند. مردی یا مردانی راه بر دختر نوجوانی سد می‌کنند و بعد از تجاوز او را می‌کشند. مردانی فرخنده را زنده آتش می‌زنند و لگدکوب می‌کنند. مردانی هم دختری را که داخل موتر مسافربری به خواب رفته و از زیر چادرش مقداری از موهایش معلوم است به بباد کتک می‌گیرند؟

طرح پرسش در یک چنین جامعه‌ای آسان نیست. اولین پرسش ممکن این است: چه دلیلی دارد آمار توحش و خشونت علیه زن در یک جامعه نسبت به جامعه‌ی دیگر از زمین تا آسمان باشد؟ ساختار جامعه به مثابه زمینه تعیین می‌کند که پرسش چه باشد و کی و کجا مطرح شود. اگر تا به حال به طوریکه باید، هیچ پرسشی درین راستا مطرح نشده دلپیش ساختار جامعه است که همچون لایه‌ای عایق قابل نفوذ نیست. اما این دلیل نمی‌شود که دست روی دست بگذاریم و آمار غیرانسانی خشونت علیه زن را تماشا کنیم. این‌جا مسأله‌ی نصفه نیمه‌ی دموکراسی و آزادی بیان در یک دهه گذشته می‌تواند راه‌گشا باشد.

راه یافتن به داخل اساسات یا مبانی حقوق نظام اسلامی که هرچه خشونت در جامعه ثبت

ادامه از صفحه ۱

او افزود که حکومت نیز مسؤول است تا از رسانه‌ها بدون قید و شرط و اعمال نفوذ حمایت کند و مطالبی را که در رسانه‌ها نشر می‌شود، جدی بگیرد.

ارچند در مرور زمان و با پیدایش و فعالیت گسترده‌ی رسانه‌های صوتی، تصویری و شبکه‌های آنلاین، مخاطبان رسانه‌های چاپی کاهش یافته است و آقای توحیدی می‌گوید علاوه‌قمندی مردم از متن به صدا و تصویر بیش‌تر شده است، اما رسانه‌های چاپی افغانستان نیز تنها به چاپ برگه‌های روزنامه اکتفا نکرده و مطابق به نیاز مخاطبان شان عین مطالب را به شکل متن، صدا و تصویر از طریق وبسایت و رسانه‌های اجتماعی اطلاع‌رسانی می‌کنند.

ذکی دریابی، مدیر مسؤول روزنامه اطلاعات

می‌شود از همین نظام (به قول خودشان اسلامی یا آسمانی) آب می‌خورد. آموزه‌های اسلام طی سده‌های گذشته سد عبورناپذیری ساخته است که جدایی از دست یافتن به بعضی از برابری‌ها در نهادهای تحصیلی و آموزشی هنوزهم زیرساخت جامعه که همان مبانی حقوق باشد دست نخورده باقی مانده است. در ابتدا هم یادآوری شد که زنجیره‌ی فمینیسم یا مبارزه برای برابری حقوق زنان و مردان فرایندی دارد که بدون در نظر گرفتن یکی از حلقه‌ها به تمامی نمی‌توانیم به سایر حلقه‌ها برسیم. طبق جریان فمینیسم اولین حلقه،

مردانی که ذکر وحشت‌شان رفت، نتیجه‌ی ساختار نظام یک جغرافیا است. آماری هم که کمیسیون حقوق بشر همه‌ساله نشر می‌کند در مقایسه با جوامع متمدن از زمین تا آسمان است. دلپیش شاید همین ساختارهای متفاوت است. ساختار یک جامعه‌ی متمدن یا تمام جوامع متمدن بر اساس سکولاریزم است. سکولاریزم به معنای جدایی دین از سیاست.

اگر دین بالای یک نظام حاکم باشد یا دین به مثابه‌ی یک نظام دست به ساختارسازی بزند عاقبت آن هرچه باشد نیازی به گفتن ندارد.



اما جامعه‌ای که دین در آن از نظام جدا نداشته می‌شود، پس چه چیزی دست به ساختارسازی می‌زند؟ نظام جامعه‌ای که دینی نباشد بر اساس آرای عموم مردم است. اگر عموم مردم که سازنده‌ی جامعه هستند به منع خشونت علیه زن رأی بدهند، ساختار جامعه روی همین اصل بنا می‌شود. اگر عموم مردم حق حضانت طفل را به بحث انسانی و نه دینی بگذارند، ساختار حقوقی

انجمن روزنامه‌های افغانستان آغاز به فعالیت...۰

روز می‌گوید با توجه به اهمیت و تفاوت‌هایی که کار رسانه‌های چاپی با دیگر رسانه‌ها دارد، این صنف پیش‌تر تحت تهدید قرار دارد.

او افزود که انجمن روزنامه‌های افغانستان ایجاد شده است تا یک شانه و تکیه‌گاه برای حمایت از آزادی بیان باشد.

آقای دریابی تأکید کرد که پس از این هیچ رسانه‌ای در برابر فشارهای غیرقانونی تنها نیست و این انجمن همه اعضایش را حمایت خواهد کرد. به گفته‌ی او، انجمن روزنامه‌های افغانستان یک چتر ظرفیت‌سازی روزنامه‌نگاری در کشور است و برای حل چالش‌های حقوقی رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران و توسعه‌ی روزنامه‌نگاری حرفوی نیز کار می‌کند.

در همین حال، عین‌الدین بهادری، رییس

فمینیسم؛ مبارزه‌ی حقوقی

جامعه روی نتیجه همین مباحثه بنا می‌شود. اگر آرای عموم مردم شروط طلاق را برای زن به اندازه مرد قابل دسترسی ابلاغ کند، ساختار حقوقی جامعه روی همین اصل بنا می‌شود.

خوبی نظام سکولاریزم در همین همگانی بودن یا قابل دسترس بودن زیرساخت‌های جامعه است. جامعه‌ای با نظام استبدادی و تمامیت‌خواه را در نظر بگیرید: شخص حاکم می‌تواند کسی را به جرمی متهم کند و مجازات اجرا شود بدون اینکه نظر شهروندان پرسیده شود. فقط یک شخص تصمیم می‌گیرد و اجرا می‌کند که میزان اشتباه

طرح پرسش دریک چنین جامعه‌ای آسان نیست. اولین پرسش ممکن این است: چه دلیلی دارد آمار توحش و خشونت علیه زن دریک جامعه نسبت به جامعه‌ی دیگر از زمین تا آسمان باشد؟ ساختار جامعه‌به‌مثابه‌زمینه‌تعیین می‌کند که پرسش چه باشد و کی و کجا مطرح شود. اگر تا به حال به طوریکه باید، هیچ پرسشی درین راستا مطرح نشده‌دلپیش ساختار جامعه است که همچون لایه‌ای عایق قابل نفوذ نیست. اما این دلیل نمی‌شود که دست روی دست بگذاریم و آمار غیرانسانی خشونت علیه زن را تماشا کنیم. این‌جامسأله‌ی نصفه‌نیمه‌ی دموکراسی و آزادی بیان در یک دهه گذشته‌می‌تواند راه‌گشا باشد.

دموکراتیک مقابل هم قرار دارد.

زنان و مردانی که امروز در حاشیه‌ی قدرت به عنوان نسل جوان زندگی می‌کنند، برای آزادی‌های جامعه‌شناختی‌شان به خویش غره شده‌اند؛ غافل از این‌که در ساختار عدلی و قضایی جامعه چه می‌گذرد. زنان را به چه جرمی سنگسار می‌کنند و چرا زندان زنان همیشه پر از زندانیان عصبی است؟

گیر افتاده در خلای سنت و تجدد؛ این اسم یکی از جستارهای رهنورد زریاب است که اینگونه ادامه دارد: روزگار شگفتی‌انگیزی است. آری، روزگار شگفتی‌انگیزی است؛ زیرا ما در گونه‌یی از خلای فرهنگی به سر می‌بریم؛ زیرا ما در یک فضای فرهنگی کاذب به سر می‌بریم و این از بهر آن است که ما از سنت‌های فرهنگی –یا بهتر است بگویم – که ما از فرهنگ سنتی بریده‌ایم و فرهنگ مدرن را جانشین آن فرهنگ سنتی نساخته‌ایم. در نتیجه، اکنون در این روزگار شگفت و پر از اضطراب و دلهره، در همین خلای هولناک فرهنگی دست و ما می‌زنیم.

نسلی که از آن به اسم میان‌نسل نام می‌برند و زریاب نیک می‌دانست که میان‌نسل در چه خلای هولناک فرهنگی گیر افتاده است. زیرا که ما دوره‌های روشنگری و فرایند متمدن شدن را به شکل طبیعی و شایسته‌ی آن نپیمودیم.

قرار می‌گیرند.

در این مورد، مجیب مهرداد، مدیر مسؤول روزنامه هشت صبح گفت آزادی بیان در افغانستان بهای خون انسان‌های ارزشمندی است که طی دو دهه اخیر از جان شان گذشتند.

او افزود که رسانه‌های افغانستان از لحاظ تعداد کپ‌تر شده و از لحاظ مالی در تگنا قرار گرفته‌ولی از لحاظ کیفیت کار روز به روز بهتر شده است.

آقای مهرداد تأکید کرد که انجمن روزنامه‌های افغانستان در تلاش است تا جهت کاهش فشارهای ناموجه در کنار رسانه‌های چاپی کشور بایستد.

این شمار رسانه‌ها در حالی به ایجاد انجمن صنفی اقدام کرده‌اند که خبرنگاران و رسانه‌ها از نگاه امنیتی تحت تهدید قرار دارند و در این اواخر پنج خبرنگار در ولایت‌های کابل، ننگرهار، قندهار، غزنی و هلمند ترور و کشته شده‌اند.

ادامه از صفحه ۱ سرزمین خشم و خشونت

مبنای اصلی و ریشه‌ی فرهنگ لت‌وکوب و بدرفتاری و تحمیل چادری را پیدا کرده و به صورت دوامدار زیر بررسی قرار دهد.

چرا خشونت تنها بر علیه زن؟

هنوز این جامعه‌ی اسلامی در فقر و بی‌سوادی به سر می‌برد و حق مساوی زن و مرد به گونه‌ی گسترده رواج پیدا نکرده است. بسیاریند افراد و خانواده‌هایی که هنوزهم زن را ضعیف، ناتوان، عاجزه و حتا ناقص‌العقل فرض می‌کنند. با وجودیکه، حفظ سلامتی خانه به دست اوست و او نیز از کرامت انسانی و بشری برخوردار است و مثل هر موجودی دیگر حق برخورداری از امتیازها و امکانات برابر را دارد. پس حق تحصیل دارد، حق انتخاب هم دارد، و حقوق خانوادگی نیز دارد. اسلام نیز به این نکته اشاره کرده و زن را در مواردی از حقوق بیش‌تر برخوردار ساخته تا بتواند نیازهای مبرم خویش و خانواده اش را رفع کند، اما بازم خشونت، لت‌وکوب، محدودیت، چادری که رخ زن را پوشانده و روستاهایی که زن را ضعیفه می‌دانند...

ادامه از صفحه ۴

باران سجادی...۰

جامعه‌ی ما مرد و زن دچار هویت سنتی است. نخست لازم است هویت سنتی نقد شود تا جامعه وارد هویت مدرن شود. در هویت مدرن مسأله‌ی هویت زن نیز حل می‌شود و زنان جایگاه هویتی خود را پیدا می‌کنند.

❓ چه چیزی می‌تواند به زن شاعر کمک کند به این خودباوری برسد که بیش‌تر با هویت خودش در شعر ظاهر شود؟

✔ با توجه به دیدگاه کلی جامعه‌ی فعلی ما در افغانستان نسبت به «زن» و فرودست خواندن زن کار شاعر زن طبعن سخت‌تر می‌شود یک شاعر زن در حقیقت مبارزی است که علاوه بر خلق و آفرینش باید منتظر قضاوت‌ها و تحقیرها و سرزنش‌ها هم باشد چرا که به قولی «اگر مردی بیا و در افغانستان زن باش» و هم این که خودباوری یک روند است که در آن باید به چیزهایی برسی. اما گریه‌ی ما از چیز دیگری ست. مشکل ما خودباوری نیست. جنس زن، ظن و یقین است و جایی که شک نباشد یقین تولد نمی‌شود. زن شاعر امروز درست مثل زن حامله‌ای است که راه زایمانش را دوخته باشند. باید زن باشی که درد زایمان داشته باشی و اما راهی برای راهی و زایش باز نباشد. این که می‌بیند بیش‌تر شاعران زن با هویت مردانه و یا هم خنثا سخن می‌گویند، مشکل شان خودباوری نیست، ترس مرگ و ستم هم نیست. باز می‌گویم باید زن باشی که بدانی درها و ترس‌های فراتر از مرگ نیز وجود دارد و همین‌هاست که باعث می‌شود زن افغانستان به زبانی سخن بگوید که هیچ حس و عاطفه‌ای را بر نمی‌انگیزد.



پژوهش
کخه حسین رهیاب بلخی

زنان در مسیر تاریخ

قسمت بیست و ششم

آموزش زنان در مصر

گرچه مدرسه مامایی تنها اقدام دولت برای آموزش و پرورش زنان تا ۱۸۷۰ باقی ماند، عدم تعصب نسبت به مطالعه موضوع‌های درسی اروپایی توسط زنان در زندگی طبقه‌های مرفه نمایان بود. دختران محمدعلی پاشا و اطرافیان تحت تعلیم مریبان اروپایی همزمان با آموزش سنتی عربی و مذهب توسط مریبان بومی قرار گرفتند. خانواده‌های طبقه مرفه نیز تبعیت کردند، با وجود این‌که در استخدام درآوردن معلمانی برای دختران‌شان به طور پراکنده مرفه مصری-ترکی بود که با وجود مخالفت مادرش به دلیل اصرار خود و حمایت پدرش تحت تعلیم قرار گرفت.

نازلی فاضل (۳) (که در اوایل ۱۹۰۰ فوت کرد)، دختر ارشد یک شاهزاده بود که در منزلش به طور متناوب روشنفکران طراز اول و اعضای طبقه حاکمه در اواخر نوزدهم حضور می‌یافتند، و در کودکی توسط معلمان اروپایی و مریبان عرب یا مصری آموزش دیده بود. (تعداد مدارس از همه نوع از فرانسوی، انگلیسی، ایتالیایی و غیره) که برای دختران تأسیس شده بودند، در دهه ۱۹۱۰ افزایش یافت.

در بین طبقات پایین و متوسط، تعداد کمی از دختران به مدارس سنتی، در جایی که قرانت و حفظ قرآن تدریس می‌شد، می‌رفتند. اما تحصیلات از نوع اروپایی در بین این طبقات اجتماعی نیز در ابتدا از طریق مدارس مبلغین که در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ تأسیس شده بودند، رواج پیدا کرد. حدود ۵۵۷ دختر در سال ۱۸۷۵ به مدارس مبلغین می‌رفتند که در بین آن‌ها ۳۰۰۰ مصری وجود داشت. در ۱۸۸۷، از ۱۶۱۶ دانش‌آموز این مدارس ۴۰۰۰ نفر مصری بودند. اکثریت دخترانی که در این مدارس ثبت نام می‌کردند، مسیحیان قبطی بودند. اما تعداد کمی از مسلمانان هم حضور داشتند، با وجود این‌که پیش‌تر والدین مسلمان آکراه داشتند که دختران‌شان را به مدارس مبلغین مذهبی بفرستند، زیرا یکی از اهداف عمده تأسیس آن‌ها تبلیغ مسیحیت بود. در پاره‌ای اوقات، هنگامی که مدارس مبلغین تصمیم به جذب دانش‌آموز از فقیرترین طبقات اجتماعی می‌گرفتند، مسلمانان اکثریت دانش‌آموزان را تشکیل می‌دادند زیرا این افراد ضعیف و آسیب‌پذیر قادر به مقاومت در برابر اقدامات تعرضی این مدارس جهت افزایش ثبت نام نبودند. این در مورد مدرسه خانم واتلی صادق بود. مری لویزواتلی، دختر اسقف دوپلین، با نزدیک شدن و ملاقات با افراد فقیر در خیابان‌های مصر آن‌ها را متقاعد می‌ساخت تا فرزندان‌شان را به مدرسه بیاورند و با این کار اقدام به جذب دانش‌آموزان جدید می‌کرد.

بررسی موری: مصر (۲)

فعالیت‌های اقتصادی زنان

زنان در مصر قبل از نفوذ اقتصاد اروپا در کشور مصر نقش فعالی در عرصه اقتصاد ایفا می‌کردند. در قرن ۱۹، ادغام روزافزون مصر در اقتصاد جهانی فرصت‌های زنان برای امرار معاش و کسب درآمد کمی در بخش تولید نساجی (از ریسندگی و شانه‌زنی گرفته تا رنگ بری) را کاهش داد. در ضمن، رواج کالاهای اروپایی اثر منفی بر سایر زمینه‌های تجارت محلی گذارد که به ضرر زنان و مردان مصری بود. به طور مثال، بازرگانان بومی جای خود را به شرکت‌های اروپایی و نمایندگان آنان دادند. در نتیجه، زنانی که در تجارت محلی سرمایه‌گذاری کرده بودند نیز متضرر شدند. تغییراتی که در قوانین تصرف و اجاره زمین در زمان محمدعلی در جهت اصلاحات کشاورزی به وجود آمد نیز به طرز منفی زندگی کشاورزان (شامل زنان) را تحت تأثیر قرار داد. این قوانین مالکیت زمین را در انحصار تعداد معدودی زمین‌داران بزرگ قرار داد و کشاورزان را از تصرف محروم ساخت.

نه چندان خوش‌آیند پاسخ بدهد. چهار دهه پیش فروغ با هویت زنانه سخن گفت چه‌ها که نکشید. باران و باران‌ها در این روزگار از تبارز این هویت به زبان شعر و موسیقی چه «سنگ باران»‌هایی که نشده‌اند. از دیگران گله‌ای نیست خودتی از تبار خودتی یعنی شاعران و حتا از جنس خودتی یعنی زنان با نفرت و دشنام تیر بخوری. این راه بسیار چاله‌دار است و هر چاله‌ای روایت‌گر قربانی و به دم اسپ بستن زنان بی‌شمار. البته که بله در کنار خودسانسوری‌ها زنانی هم بی‌یاد با هویت زنانه سخن گفته‌اند و قیمت آن را نیز پرداخته‌اند. طبعن شاعران زن طبق هویت خود سخن می‌گویند اما مهم این است که شاعر زن چه درک و تصویری از هویت خود دارد. به نظر من هنوز بحث هویت مدرن در جامعه‌ی ما دچار مسأله است و چندان هویت مدرن در جامعه‌ی ما نهادینه نشده است. بنابراین می‌توان گفت آن‌چه که از هویت زنانه به عنوان هویت مدرن مطرح باشد، این هویت آن‌چنان که لازم است در ادبیات زنان برجسته نشده است. دلیل این وضعیت هنرمندان زن در ادبیات معاصر ما، جامعه‌ای است که پندارهای سنتی و مردسالارانه‌ای در خود به سختی تنیده است. برای عبور از چنین بزنگاهایی زمان، مدل‌هایی را ضرورت داریم. البته اکنون هم در میان شاعران زن و مطرح، نمونه‌های خوب هم داریم. اگر فقط به شاعران افغانستان نگاهی بیندازیم به خوبی درمی‌یابیم که شعر زنان توانسته است دردها و رنج‌های جنس زن (افغانستانی) را تصویر کند. از این جهت می‌توان گفت شعر زنان افغانستان رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است.

چطور زنان شاعر می‌توانند از بحران هویت گذار کرده و به هویت خود برسند؟

زنان جدا از جامعه نیستند. باید پرسید چطور جامعه از بحران هویت گذر می‌کند و به هویت خود البته به هویت مدرن می‌رسد. بحث من این است که آیا جامعه‌ی ما دچار بحران هویت شده است؟ یعنی هویت سنتی جامعه معنای خود را از دست داده است که هویت سنتی ما دچار بحران شده باشد تا ما نیاز به گذر از بحران هویت پیدا کنیم. فکر می‌کنم

ادامه صفحه ۳

باران سجادی؛

پنهان‌شدگی هویت زنانه در شعر

کلمه‌های سرورده شده موثر است. به عنوان مثال زنی که طعم تلخ مهاجرت، بی‌وطنی، سرگشتگی و تهایی را چشیده باشد، این بعدهای هویتی بر شعر او تأثیر می‌گذارد. در واقع شاعران دردها، تاریخ، جهان‌بینی و اعتراض‌های خود را می‌سرایند و این همان هویت شعر است. به طور نمونه: شما وقتی شعرهای فروغ فرخ‌زاد را می‌خوانید، خود به خود آن روح یاغی و سرکش را در واژه‌ها حس می‌کنید، یا در مواجهه با شعر زهرا حسین‌زاده رنج‌های یک شاعر را به خوبی می‌بینید و حس می‌کنید. در نوشته‌های مارال طاهری و حمیرا قادری هم رد پای مهاجرت و



سختی‌های آن به خوبی دیده می‌شود.
آیا زنان شاعر در دو دهه‌ی پسین با هویت خود شان سخن گفته‌اند؟
هر زن شاعر در مقابل این سوال باید اول یک شکم‌سیر گریه کند و بعد با حاشیه‌پرازی

بودن و امثال آن بوده، اما امروز دیگر این مفهوم کمتر مورد توجه است. هویت به معنای واقعی کلمه پاسخ دادن به این پرسش است که من کی هستم؟ از این منظر باید گفت زنان امروز متفاوت از زنان دیروز می‌اندیشند و با وجود مشکلاتی که هنوز گریبان‌گیر زنان است، هویتی نو و جدید به دست آورده‌اند و پاسخ یک زن مدرن و امروزی این چنین می‌تواند باشد به این سوال، اما یک زن شاعر شاید به گونه‌ی دیگری به این پرسش بنگرد.

زن گاهی مثل حجم آب دریای بزرگ است و گاهی مثل باران نشانه‌ی تازگی و پیام‌آور سرسبزی است و گاهی هم مثل صاعقه‌ای آتش می‌زند و خود در پسای آن آتش پرومته زغال می‌شود. زن گاهی کبوتر است و گاهی عقاب، گاهی به کوهی تن نمی‌دهد و گاهی از پیر گاهی می‌شکند. هویت زنانه چون فراخنای تخیل شاعرانه تعریف‌ناپذیر است. اما اگر قرار باشد این هویت را در چهارچوب یک تعریف بگنجانیم این خواهد بود که هویت زن نمادهایی استند که ذات زن را در بر می‌گیرد. ذات زن معجونی از آزادی، مهربانی، ترس، خشم، امید، یأس، عشق و قربانی است که امروز تنها ترس و یأس آن برای ما باقی مانده و عنصرهای دیگر آن در ظرف جادویی تفکر ستم‌گر سیاست و فرهنگ رسوب کرده است.

هویت در شعر چه مفهومی را ارائه می‌کند؟

مهم است بدانیم که شعر چیست و چه مسؤولتی را به دوش دارد، چون این شعر است که در مواجهه با آن چیزی به نام هویت شعر معنا پیدا می‌کند؛ چه این هویت زنانه باشد، چه مردانه. از شعر تعریف‌های زیادی وجود دارد، اما همان‌گونه که هنر تعریف‌ناپذیر است، شعر نیز تعریف جامع و کاملی ندارد. به ویژه در زمانی که ما زندگی می‌کنیم، شعر می‌تواند بی‌نهایت معنا داشته باشد. شعر به عنوان ابزاری برای اعتراض، انتقال احساسات ناب، انتقال فرهنگ و... می‌تواند کاربرد داشته باشد. طبیعی‌ست که هویت شاعر به عنوان خالق شعر بر تک تک



گفتگو
کخه عادلہ آدین

باران سجادی زاده‌ی مشهد ایران است. او از شاعرانی است که زن در شعرهایش نقش برجسته و کلیدی دارد. او دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی برنامه‌ریزی دانشگاه فردوسی مشهد بود که به دلیل برهنه‌سرای‌هایش از دانشگاه حکم تعلیق و محرومیت تحصیلی را دریافت می‌کند و مهاجرت به کانادا با همکاری نمایندگان سازمان ملل را برمی‌گزیند. در کانادا پس از ده سال سکوت ناشی از افسردگی با کتاب «سنگ‌باران» دوباره متولد می‌شود و سال بعد هم کتاب «پریود» را منتشر می‌کند. او در کارنامه‌ی هنری‌اش علاوه بر دو کتابی که ذکر شد به مناسبت هشت مارچ روز جهانی زن یک موزیک ویدیو اعتراضی به نام «زن» را نیز منتشر کرده است و دومین موزیک ویدیو هم به نام «خدا پشت در است» چند ماه پیش منتشر کرد. باران دو گزینگی شعریه دیگر نیز آماده‌ی چاپ دارد. چون او از زنانه‌سرایان است و بحث هویت در شعر زنان نیز از اصلی‌ترین بحث‌هاست، با او در این مورد گفت‌وگویی را ترتیب دادیم.

نیم‌رخ: خانم باران شما چه تعریفی از هویت زنانه دارید؟

باران سجادی: به صورت مشخص و مطلق هویت کامل مردانه یا زنانه وجود ندارد. هویت‌ها رویدادهای اجتماعی و فرهنگی استند که ابداع شده‌اند. اما تفاوت‌های بین هویت مردانه و زنانه از یک جامعه تا جامعه‌ی دیگر وجود دارد. بنابراین به اعتبارهای اجتماعی و فرهنگی می‌توان از هویت مردانه یا زنانه سخن گفت. به نظر من در جریان‌ها و تحول‌های فکری دهه‌های پسین در جهان مفهوم هویت مانند گذشته‌ها نیست؛ زنان به درک درستی از وجود خویش و باوری رسیده‌اند که مفهوم هویت زنانه و جنس دوم بودن بسیار کم‌رنگ‌تر شده است. هم‌چنین هویت یک مفهوم تفسیرپذیر است و هر کس بنا به جغرافیا، فرهنگ و تاریخ خود می‌تواند تعریف‌های خاصی از این مفهوم داشته باشد. اما هویت زنانه مفهومی است که در قرن ۲۱ میلادی کم‌کم رنگ می‌یازد. شاید در گذشته هویت زنانه مترادف با جنس دوم بودن و ضعیف

گزارش

کخه لطیفه سادات موسوی



نمی‌شود که هیچ! اما بارها به او اخطار می‌دهند که وظیفه‌اش را ترک نکند: «هر روز که به اداره می‌روم بدون چون و چرا خانه‌ی حاضری‌ام را قیود می‌کنند وقتی دلیلش را می‌پرسم می‌گویند تو دیگر نیاز نیست وظیفه انجام بدی برو اولادداری ات را بکن من هیچ وسیله‌ای برای رفتن به دفتر ندارم بنابراین مجبور استم روزانه بیش از یک ساعت پیاده‌روی کنم تا به دفتر کار برسم. بدون اینکه این موارد و مشکلاتم را در نظر بگیرند بر من فشار می‌آورند که وظیفه‌ام را ترک کنم.»

او مدعی است که به دلیل رفتار تبعیض‌آمیز مسؤولان امنیتی به هیچ زنی اجازه‌ی رشد و ارتقا در پست‌های کلیدی داده نمی‌شود.

بومانه از حکومت می‌خواهد که برای زنان خانه‌دار سهولتی را در اجرای وظیفه مهیا کنند.

گرچند حضور زنان در صفوف پولیس نسبت به گذشته افزایش یافته است اما در بخش‌های کلیدی و تصمیم‌گیری نقش سمبولیک و کم‌رنگ دارند.

خاوری بانوی دیگر است که پس از هشت

سال انجام وظیفه در بخش تلاشی زنان در نظام امنیتی دایکندی، به تازگی بدون کدام

ادامه صفحه ۳

خشونت و تبعیض

علیه زنان در نظام امنیتی دایکندی



کند و یا به دلایلی نتوانستند از وظیفه برکنار کنند. اما برای رشد و ارتقای ظرفیت من و امثال من تلاش نمی‌شود که در بست‌های کلیدی ایفای وظیفه کنیم.»

بومانه که اکنون مادر دو فرزند دوگانه‌ی است می‌گوید برای انجام وظیفه با او همکاری

خشونت‌های لفظی قرار گرفتیم اما به خاطر علاقمندی که به وظیفه‌ام دارم و گزینگی دیگر برای کار نداشتم تاکنون به وظیفه‌ام ادامه داده‌ام. فشاری که نهادهایی مانند حقوق بشر، رسانه‌ها و دفتر معاونت ملل متحد بر نظام امنیتی وارد می‌کرد اداری ما مجبور بود ما را در وظیفه حفظ

زنان کارمند در نظام امنیتی ولایت دایکندی از وجود خشونت و تبعیض شکایت دارند.

این بانوان شکایت دارند که به دلیل رویه‌ی نادرست آمرین و حتا توهین و تحقیر مجبور به ترک وظیفه شده‌اند و یا بدون کدام دلیل موجه از وظایف شان برکنار شده‌اند.

همین‌گونه برخی از این زنان کارمند امنیتی شکایت دارند که در ولسوالی‌های دوردست مورد سواستفاده و حتا تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. بومانه فیروزی، اولین زنی است که پس از تأسیس ولایت دایکندی به نیروهای امنیتی کشور پیوسته است. او تاکنون در تبه‌ی لملی سارن، در بست آمر حل خشونت‌های فامیلی ایفای وظیفه می‌کند.

بومانه در گفت‌وگو با هفته‌نامه نیم‌رخ مدعی است که به دلیل رفتار تبعیض‌آمیز و خشونت‌بار آمرین‌اش بارها تصمیم گرفته وظیفه‌اش را ترک کند اما به دلیل نداشتن گزینه‌ی دیگر برای کار مجبور شده است که در این شغل باقی بماند. این افسر پولیس ملی می‌گوید: «سیزده سال می‌شود که در نظام امنیتی دایکندی ایفای وظیفه می‌کنم اولین زنی بودم که به صف پولیس پیوستم و به عنوان آمر جلب و جذب زنان در ساختار پولیس ملی آغاز به کار کردم و بیش از چهل تن از بانوان را در صف پولیس استخدام کردم. بعد از آن به حیث سرریز، ساتمن، آمر حل موضوعات فامیلی جنایی و آمر جلوگیری از قاچاق انسان ایفای وظیفه کردم. اکنون به حیث آمر حل خشونت‌های فامیلی در حوزی اول امنیتی کار می‌کنم. طی این مدت از سوی آمرین خود بارها مورد توهین و تحقیر و حتا

- صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: فاطمه روشنیان
- سر دبیر و ویراستار: حسین احمدی
- گزارشگران: لطیفه سادات موسوی و عادلہ آدین
- عکاس: حمیده مهردل
- صفحه‌آرا: اولیا عماد
- توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲
- زیر نظر گروه نویسندگان

بازتاب تمام رخ زنان



- خوانندگان عزیز؛ نیم‌رخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی، مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران نشر می‌کند.
- جز رویکرد نیم‌رخ، مسؤولیت مطالب دیگر به دوش نویسندگان است.
- هفته‌نامه‌ی نیم‌رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

(هفته‌نامه نیم‌رخ) NimrokhWeekly

www.nimrokh.af

mail@nimrokh.af

0798898894